

موضوع: کتاب الصلاة / ستر / شرایط لباس نماز گزار

ادامه بحث پیرامون شرط سوم

امام راحل فرموده اند:

«الثالث: أن يكون مذكّي من مأكول اللحم، فلا تجوز الصلاة في جلد غير المذكّي، ولا في سائر أجزائه التي تحلّ الحياة؛ ولو كان طاهراً من جهة عدم كونه ذا نفس سائلة - كالسمك - على الأحوط، وتجاوز فيما لا تحلّ الحياة من أجزائه كالصوف والشعر والوبر ونحوها. وأما غير المأكول فلا تجوز الصلاة في شيء منه وإن ذكّي؛ من غير فرق بين ما تحلّ الحياة منه أو غيره»^۱.

بحث در مورد شرایط لباس نماز گزار بود و گفتیم که لباس نماز گزار نباید از اجزای حیوانات غیر مأكول اللحم باشد. و همچنین مشهور قائل بودند که اجزای حیوانات حرام گوشت، حتی همراه نماز گزار نیز نباید باشد.

فقیه سبزواری، مخالف اصحاب ما را چنین نقل کرد که گروهی از اصحاب، منع نماز را به لباسی اختصاص داده اند که از اجزاء «ما لا يؤكل» گرفته و ساخته شده باشد. اما آن چیزی که لباس نباشد، یعنی عرفاً صدق نکند که نماز گزار آن را پوشیده و به تن کرده است، بلکه فقط آن را حمل کند، مانند یک تار مو یا مقداری کرک که بر روی لباسش باشد، در اینجا، آنان گفته اند که این نصوص شامل آن نمی شود.

اما خود ایشان اذعان دارد که اکثر اصحاب، در اینجا نیز حکم را تعمیم داده و منع را شامل این مورد هم می دانند. سپس خود ایشان، یعنی همین صاحب کفایه، فقیه سبزواری، نظر این مخالفان قول اکثر را رد کرد و گفت: اتفاقاً برخی از نصوص وجود دارد که بر رأی اکثر دلالت می کند؛ به این معنا که حتی اگر مو و کرک «اجزاء ما لا يؤكل لحمة» به صورت محمول هم باشد، نماز در آن جایز نیست.

ایشان به یک روایت استدلال کرد. یک روایت نیز قبل از ایشان، خود صاحب جواهر آورده است. روایت دیگری هم وجود دارد که این دو سه روایت را قبلاً اشاره کردیم و باز هم بیشتر بررسی می کنیم. چون این ها بالاخره محل اختلاف

۱ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۸.

است، بنابراین باید دقیقاً بررسی شود. چون اگر ما باشیم و این نصوص را در نظر بگیریم، نمی توان به فتوای مشهور، فتوا داد. چون شهرت فتوایی به خودی خود حجیت ندارد.

یکی از این نصوص، همان روایت و خبر ابراهیم بن محمد همدانی است. روایت دوم صحیح علی بن راشد است، و روایت سوم نیز صحیح علی بن مهزیار است.

خبر ابراهیم بن محمد همدانی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَسْقُطُ عَلَى تَوْبِي الْوَبَرِ وَ الشَّعْرُ مِمَّا لَا يُؤْكَلُ لِحْمُهُ مِنْ غَيْرِ تَقِيَّةٍ وَلَا ضَرُورَةٍ فَكَتَبَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهِ».^۲

محمد بن حسن یعنی شیخ طوسی از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده و سند شیخ به ایشان صحیح است.

ابراهیم بن محمد همدانی نیز در وثاقت، بلکه در جلالت قدر او شکی نیست. کشتی روایاتی را در وثاقت ایشان آورده است. او وکیل و جلیل القدر بوده و روایات زیادی هم دارد.

ضعف این روایت، به خاطر «عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ» است. این شخص ضعیف، قلیل الروایه است و توثیق نشده است. این از جهت سند بود؛ اما دلالت روایت، روشن، بلکه صریح است.

ابراهیم بن محمد همدانی مکاتبات زیادی با امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) داشته است. در این روایت نیز آمده است که او با حضرت مکاتبه کرده و سوال پرسیده است که اگر مو و کرک حیوان حرام گوشت بر لباس می افتد آیا می توانم نماز بخوانم؟ چون اینها در صحرا بوده اند و در صحرا دام و احشام وجود داشته و حیوانات غیرمأکول نیز زیاد بوده اند. طبعاً این موها به خار و خاشاک می چسبیده و وقتی از آنجا عبور می کردند، بر لباسشان واقع می شده است. حالا راوی پرسیده که چه حکمی دارد؟ آن هم در حالت غیر تقیه و غیر اضطرار. یعنی با اختیار و بدون هیچ عذری می خواهم نماز بخوانم و به این موها اعتنا نکنم؛ این نماز چه حکمی دارد؟ تقیه و اضطرار خودشان عذر محسوب می شوند، اما در غیر حالت تقیه و اضطرار، یعنی در حالت اختیار، حکم این نماز چیست؟

حضرت پاسخ داده اند که چنین نمازی جایز نیست.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۵۱، أبواب لباس المصلّي، باب ۲، ح ۴، ط الإسلامیة.

روایت صریح است که نماز در آن جایز نیست. دلالتش صریح است. اگر ما فقط همین یک روایت را داشتیم، باید به آن فتوا می‌دادیم؛ چون ضعف سند آن، در صورتی که دلالت خبر تام باشد، با عمل مشهور قدما جبران می‌شود؛ این را بارها عرض کرده‌ایم.

صحیحہ علی بن راشد

وَعَنْهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الثَّعَالِبُ يُصَلِّي فِيهَا قَالَ لَا وَ لَكِنْ تُلْبَسُ بَعْدَ الصَّلَاةِ قُلْتُ أَصَلِّي فِي الثَّوْبِ الَّذِي يَلِيهِ قَالَ لَا».^۳

مقصود از «عنه»، این است که شیخ طوسی از علی بن مهزیار نقل کرده و علی بن مهزیار از ابی علی راشد نقل کرده است. سند شیخ طوسی به علی بن مهزیار صحیح است.

ابی علی راشد را نیز در جلسه گذشته بیان کردیم که نامش حسن بن راشد است. ما سه نفر به نام حسن بن راشد داریم: یکی معاصر امام صادق (علیه السلام)، یکی معاصر امام رضا (علیه السلام) و دیگری معاصر امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) که کنیه این سومی، «ابی علی» است و آن دو نفر دیگر نیستند. معاصر امام رضا (علیه السلام) صریحاً تضعیف شده است. در مورد آن که معاصر امام صادق (علیه السلام) بود، ما اوایل قائل به ضعف او بودیم، اما بعداً با ادله و قرائنی که به دست آوردیم، به وثاقت او قائل شدیم که این ادله را در جلد دوم کتاب «مصباح الرجال» تحت عنوان همین «حسن بن راشد» آورده‌ایم و ایشان ثقة است. حالا با آن‌ها کاری نداریم. آن کسی که در اینجا واقع شده، ابو علی راشد از آل مهلب، معاصر امام جواد و هادی (علیهما السلام) است که توثیق دارد، کسی هم او را تضعیف نکرده و به قرینه نقل ابن مهزیار از او، همین شخص متعین است. پس این سند، صحیح است.

روایت در مورد این است که آیا می‌شود در پوست یا مو و کرک روباه نماز خواند؟ حضرت فرمود: خیر. ولی بعد از نماز می‌شود آن را پوشید. این خود قرینه‌ای است بر همان مطلبی که قبلاً عرض کردیم که امام سجاد (علیه السلام) سرد مزاج بودند و از پوستین عراقی استفاده می‌کردند اما در نماز آنرا در می‌آوردند.

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۵۸، أبواب لباس المصلی، باب ۷، ح ۴، ط الإسلامیة.

چیزی که در حال نماز جایز نیست با آن نماز خواند، این، دلیل بر آن نمی‌شود که خارج از نماز نیز جایز نباشد. اینجا هم همین‌طور است. و هنگام نماز باید این لباس را در بیاورد و همچنین لباسی که با این پوستین در تماس باشد را نیز باید موقع نماز در بیاورد تا مو و کرک حیوان روی لباسش نماند.

فقیه سبزواری به این روایت استدلال کرده است علیه کسانی که گفته‌اند نماز در محمول از مو و کرک «ما لا یؤکّل» جایز است. او می‌گوید این روایت می‌گوید نه، جایز نیست. صاحب جواهر هم همین را پذیرفته و تأیید کرده است.

پس این روایت صحیح است و ظهور دارد.

آن روایت اولی که سندش ضعف داشت، صریح بود، اما این روایت ظهور دارد. البته «لا» صریح در عدم جواز است؛ چون راوی که سؤال می‌کند «أَصْلِي؟» یعنی آیا جایز است یا نه؟ حضرت فرمودند: «لا». وجه ظهورش در این است که به خود و بر و شعر تصریح نکرده، بلکه فرموده: «الثَّوبُ الَّذِي يَلْبِئِهِ». ولی این متفاهم عرفی است. هیچ وجهی برای منع وجود ندارد مگر همین؛ چون آن لباس، خودش قمیص بوده و قمیص به خودی خود منعی ندارد. منع آن فقط می‌تواند به خاطر نجاست مسریه باشد، در حالی که پوستین حیوان تذکیه شده نجاست مسریه ندارد. «ما لا یؤکّل» ذکی، طاهر است و نجس نیست تا نجاستی از آن سرایت کند. پس آن احتمال منتفی است و متعین می‌شود که منع به خاطر همین مو و کرک است. به همین دلیل گفته‌اند ظهور این روایت تام است.

صحیحہ علی بن مهزیار

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ رَجُلٍ «سَأَلَ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي جُلُودِ الثَّعَالِبِ فَتَهَيَّ عَنْ الصَّلَاةِ فِيهَا وَ فِي الثَّوبِ الَّذِي يَلْبِئُهُ فَلَمْ أَذِرْ أَيُّ الثَّوْبَيْنِ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْوَبَرِ أَوِ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ فَوَقَعَ بِخَطِّهِ الثَّوبُ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ قَالَ وَ ذَكَرَ أَبُو الْحَسَنِ يَغْنِي عَلِيٌّ بْنُ مَهْزِيَارٍ - أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَقَالَ لَا تُصَلِّ فِي الَّذِي فَوْقَهُ وَ لَا فِي الَّذِي تَحْتَهُ»^٤

این روایت به نظر ما صحیح است و مرسل نیست، چرا که هرچند در سند این روایت تعبیر «عن علی بن مهزیار عن رجل» ذکر شده است، ولی سیاق روایت به گونه‌ای است که گویی خود ابن مهزیار در آن مجلس حضور داشته است، بنابراین سندش ضعیف نمی‌شود.

٤ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٢٥٩، أبواب لباس المصلی، باب ٧، ح ٨، ط الإسلامیة.

البته ما این را مورد تشکیک قرار می‌دهیم و بنا را بر این می‌گذاریم که چنین سیاقی ندارد که در این صورت، مرسل می‌شود. ولی تا کجای این روایت مرسل می‌شود؟ تا جواب امام به آن مرد، یعنی تا این قسمت: «التَّوْبُ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ».

اما بعد از آن، خود علی بن مهزیار سؤال کرده است. برای او شبهه‌ای پیش آمده بود، که برای ما هم در نگاه اول پیش آمد، که چرا حضرت فرمود: «يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ»؟ در حالی که آن طرفی که پشم دارد، کرک و مو دارد. شاید به این دلیل بوده که آن مرد عامی بوده و حضرت خواسته تقیه کند، یا مصلحت دیگری در کار بوده، یا فصلی از سال بوده که آن قمیص را طوری می‌پوشیدند که طرف جلد پوستین به سمت داخل بدن بوده است. به هر علتی که بود، برای ابن مهزیار سؤال پیش آمد و سؤال کرد. حضرت در جواب ابن مهزیار فرمودند که فرقی بین لباسی که از طرف داخل به پوست پوستین چسبیده، با لباسی که روی آن پوشیده می‌شود، وجود ندارد. یعنی بین فوق پوستین و تحت پوستین تفاوتی نیست. به همین دلیل، این روایت صحیح می‌شود؛ یعنی به آن قسمت اخیرش که می‌رسیم، روایت صحیح و قطعی است، چون سروکار ما و موضع استدلال ما، به جواب امام به خود علی بن مهزیار است.

قسمت اول روایت که مربوط به نماز در پوست روباه است، واضح است و محل استدلال ما نیست. و همچنین در لباسی که به آن چسبیده است. این تا اینجا، دلالتش شبیه همان روایت قبلی می‌شود.

راوی می‌گوید: «فَلَمْ أَذَرِ...» که ممکن است این کلام همان رجل باشد که گفته: من ندانستم و متوجه نشدم مقصود حضرت کدام لباس است. آن قمیصی که به طرف پشمی این پوستین چسبیده یا آنکه به طرف بشره و پوست آن ملاصق است؟ هر پوستی دو طرف دارد: یک طرف، بشره و پوست حیوان است و طرف دیگر، پشم و کرک آن. قمیص را می‌توان از دو طرف پوشید؛ هم در مجاورت آن طرفی که پوست است و هم در مجاورت آن طرفی که پشم است. راوی می‌گوید من تردید کردم که مقصود حضرت از «التَّوْبُ الَّذِي يَلِيهِ» کدام یک از این دو طرف است. به همین علت از حضرت پرسیده است.

حضرت با خط خود پاسخ داده اند که مراد، آن لباسی است که به جلد چسبیده است. این قسمت اول روایت است.

اما بعد، خود ابن مهزیار این شبهه را داشته است، لذا خودش مکاتبه مستقلى کرده است. در ادامه روایت آمده است: «قَالَ»، یعنی راوی (محمد بن عبد الجبار) می‌گوید: «وَذَكَرَ أَبُو الْحَسَنِ» یعنی علی بن مهزیار، «أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ». ظاهر این است که خود علی بن مهزیار این مسئله را از امام سؤال کرده است. «قَالَ: لَا تُصَلِّ فِي الَّذِي فَوْقَهُ وَلَا فِي الَّذِي تَحْتَهُ». در لباسی که بالای آن است و نه در لباسی که زیر آن است، نماز نخوان.

بنابراین، این خبر، حتی اگر آن قسمت «لَمْ أَدْرِ» کلام آن «رجل» باشد و بخش اول روایت مرسل شود، در ادامه، راوی از ابن مهزیار (یعنی محمد بن عبدالجبار که از ثقات است) نقل می‌کند که ابوالحسن (علی بن مهزیار) گفت که من خودم از حضرت در این باره سؤال کردم و حضرت فرمودند که چه لباسی بالای آن باشد و چه زیر آن، در هیچ کدام نماز نخوان. با این بیان، این روایت نیز صحیح است.

در نتیجه، یک روایت اول، صریح در دلالت بود. این دو روایت نیز ظهور دارند. مشهور اصحاب قدما هم به آن فتوا داده‌اند. بنابراین مساله روشن است، یعنی هم فتوای مشهور اصحاب که شهرت عظیمی است، وجود دارد، و هم نص دلالت می‌کند. پس هیچ مانعی نیست که بگوییم فرقی بین اینکه اجزاء «ما لا یؤکل» به صورت محمول باشد (و لباس نباشد) یا به صورت لباس باشد، وجود ندارد.

تا اینجا بحث تمام شده است. اما موضوع مهمی که واقعاً اهمیت دارد و بسیار هم مبتلا به است، و من ندیده‌ام فقهای معاصر، حتی مثل صاحب جواهر، بحث معتنا بهی در این خصوص کرده باشند، این است که آیا این حکم، شامل اجزاء «ما لا یؤکل» غیر از چهارپایان، یعنی پرندگان (طیور) و حیوانات دریایی (بحریه و اسماک) نیز می‌شود؟ این مطلب در نصوص نیامده و در کتاب وسائل نیز روایتی در این باره وجود ندارد.

این را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.